



بررسی اثرگذاری جایگاه خانواده در میزان بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان در مدارس

فاطمه سعادت دورابی

کارشناسی برنامه ریزی آموزشی

Email: saadat.f@mailfa.com

پیمان احمدزاده میمند

کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی

چکیده

عملکرد تحصیلی و موفقیت در تحصیل به علل و عوامل متعددی بستگی دارد که نبود و یا نقصان هرکدام از این عوامل موجبات افت تحصیلی را فراهم می سازد. هوش و استعداد تحصیلی یادگیرنده، عوامل محیطی و عوامل خانوادگی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. خانواده با آن جایگاه برجسته و ممتاز در نظام تعلیم و تربیت به دلایل متعددی می تواند تاثیری شگرف در فعالیت های آموزشی داشته باشد. اصولاً به دو دلیل مهم ارتباط بین مدرسه و خانه توصیه می شود. اول اینکه ارتباط بین این دو نهاد باعث ایجاد یک نوع هماهنگی در هدف ها، روش ها و انتظارات تربیتی و آموزشی بین خانه و مدرسه می شود. که از بروز تضادها و دوگانگی ها و تعارض ها در امور تحصیلی و خصوصاً تربیتی فرزندان که موجب بروز سرخوردگی، دلزدگی و افسردگی در فرزندان می شود و نتیجه ای جز سردرگمی فرزندان ندارد جلوگیری می شود. ارتباط با مدرسه به این دلیل نیز که موجب می گردد تا والدین از وضعیت تحصیلی و نیازهای فرزندانشان بهتر و بیشتر آگاه شوند و اطلاعاتی را به دست آورند که برای ارائه نقش تربیتی بهتر خانواده لازم و ضروری است توصیه می گردد. برخی والدین به دلیل عدم آشنایی کافی با نیازهای واقعی و ویژگی های سنی فرزندانشان در سنین مختلف و عدم اطلاع از وضعیت تحصیلی آنان نمی توانند نقش های نظارتی و حمایتی خود را به طرز صحیحی اجرا نمایند و نه تنها موجب بروز افت تحصیلی در فرزندان خود می شوند بلکه روز به روز از فرزندان خود نیز به دلیل عدم شناخت کافی از آنان فاصله می گیرند... بنابراین این پژوهش با هدف بررسی جایگاه و نقش خانواده در اثرگذاری بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان در مدارس انجام یافته است.

کلید واژه: خانواده، عملکرد تحصیلی، تاثیرگذاری، دانش آموزان

مقدمه

موفقیت تحصیلی به علل و عوامل متعددی بستگی دارد که نبود و یا نقص هرکدام از این عوامل موجب افت تحصیلی و نرسیدن به سطح مناسب و مطلوب می شود. هوش و استعداد تحصیلی یادگیرنده، عوامل محیطی و عوامل خانوادگی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. موضوع توجه خانواده ها به فعالیت های درسی و یادگیری



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

بچه ها نسبت به سال های گذشته و نسل های پیشین بسیار بیشتر شده و سعی دارند که با فراهم کردن شرایط، بچه های با استعداد و باهوش را برای وارد شدن به اجتماع آموزش دهند. چه بسا بسیاری خانواده ها که از همان کودکی برای موفقیت و پیشرفت بچه ها تلاش می کنند و حتی آن ها را به کلاس های مختلف درسی، ورزشی و... می فرستند. از دیدگاه دیگر خانواده هایی که فرزندان بازیگوش و بی علاقه به تحصیل دارند؛ سعی می کنند که با کلاس های مشاوره و حتی تنبیه کردن، بچه ها را به سمت فرایند یادگیری و علاقه مند شدن سوق دهند. خانواده با آن جایگاه برجسته و ممتاز در نظام تعلیم و تربیت به دلایل متعددی می تواند تاثیر فراوانی در فعالیت های آموزشی داشته باشد. (عزیزی، ۱۳۹۴) در تمامی کشور های جهان، مطمئنا خانواده ها اولین نقش را در حوزه های تعلیم و تربیت ایفا می کنند و مهم ترین و ابتدایی ترین نیاز های زندگی را خانواده ها تامین می کنند. نظریه های مختلفی که بر اساس تحقیقات گوناگون در سر تا سر جهان وجود دارند بیانگر یک اصل اساسی هستند که می گوید: «شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روانی و... خانواده نقش بسیار مهمی در تعلیم و تربیت درست دارد.» (صفایی و همکاران، ۱۳۹۸) با این توضیح به درستی مشخص می شود که خانواده می تواند، فردی با اقتدار و کامل به جامعه تحویل دهد و یا اینکه فردی بیهوده و پوچ برای اجتماع بسازد؛ که هر دوی این موارد امکان پذیر هستند. باید گفت که پدر و مادر اولین معلم کودکان هستند و مهم ترین نقش ها را در نگاه مثبت یا منفی به موضوع آموزش ایفا می کنند. اگر که بتوانند تصویر درست و زیبایی از یادگیری و آموزش در ذهن بچه ها درست کنند، در آینده نیز دانش آموزان موفق در عرصه ی تعلیم و تربیت خواهند داشت و اگر بر خلاف این باشد، رسیدن به موفقیت سخت و دشوار می گردد و شاید با اجبار بتوانند تا مقدار خیلی کمی بچه ها را به سمت آموزش هدایت کنند اما از سن خاصی که عبور کنند کم کم به سمت فراری شدن از آموزش و سرکش شدن می روند. از نظر دیگر که به این موضوع نگاه کنیم، سطح سواد خانواده ها نیز عامل بسیار مهمی در پیشرفت فرزندان می باشد. با پیشرفت های تکنولوژی و آمدن وسایل گوناگون ارتباطی و حرکت به سمت فناوری های مدرن، اگر خانواده ها از سطح سواد کافی برخوردار نباشند نمی توانند که کار خاصی را برای آموزش و پیشرفت دانش آموزان انجام دهند؛ بخصوص در این زمان که بیشتر آموزش ها به صورت آنلاین و غیر حضوری می باشند. (عزیزی، ۱۳۹۴) متأسفانه در برخی از خانواده ها که سطح سواد پایین است، والدین کنترل دقیقی بر موضوع تحصیل بچه ها ندارند و از همان ابتدا فعالیت های درسی را با جدیت دنبال نمی کنند و سعی ندارند که بچه ها را برای آموزش آماده کنند و این امر موجب به وجود آمدن معضل بزرگی در سن دبستان می شود. به کرار دیده می شود که اگر بچه ها به مدرسه نروند هم حتی به آنها تذکری نمی دهد و اگر در ناحیه های کنار شهری و روستا ها باشند، آنها را به رفتن سر کار و یا نگهداری از گوسفندان و... تشویق می کنند.

حقوق بچه ها در خانواده

کشور های مختلف با توجه به فرهنگ های متفاوتی که دارند، حقوق و شرایط مختلفی را برای کودکان در نظر می گیرند. در کشور ما نیز با توجه به فرهنگ اسلامی و آموزه های قرآنی و همچنین حکومت جمهوری اسلامی، حقوق و شرایط خاصی برای کودکان در نظر گرفته می شود و این موضوعات معمولاً در خانواده ها و جامعه رایج هستند و به گونه ای شده اند که اگر خانواده ای آنها را رعایت نکند و یا از آنها سرپیچی کند موجب تمسخر و برخورد های افراد جامعه می شود. اگر در امر تربیت، کودکان ما با احترام و توجه بار بیابند دیگر به سمت کارهای بد و ناپسند نرفته و در زندگی به سمت هدف درست حرکت خواهند کرد. برخی از مهم ترین حقوق کودک عبارتند از:

حق حضانت: برترین حق کودک در خانواده، حق حضانت یا نگهداری است.

نگه داری از کودکان هم حق و هم تکلیف ابوبین است (ماده ۱۱۶۸) قانون مدنی:



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲
محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی: (هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.)

حق نفقه: خرجی دادن به فرزندان.

ماده ۱۹۹۹ قانون مدنی: (حق نفقه ی اولاد بر عهده ی، پس از فوت پدر یا عدم توانایی او به عهده ی جد پدری می باشد و در صورت نبودن جد پدری، بر عهده ی مادر است...) ماده ۱۴۰۲ قانون مدنی: (نفقه شامل مسکن، لباس و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت و با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق می شود، البته موارد مذکور مهمترین نیازهای زندگی فردی است و هزینه بهداشت، درمان و تعلیم و تربیت نیز جزء نفقه است.)

حق تربیت و ادب آموزی:

(ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی: ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضای اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.)

3

حق نظارت و مراقبت:

(ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی: ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی توانند طفل خود را خارج از حد تأدیب نمایند.)

وظایف کودکان در مقابل پدر و مادر

همانطور که کودکان حق و حقوقی در خانواده دارند، وظایفی را نیز دارند و نکاتی را باید در برابر پدر، مادر، برادر و خواهر و... رعایت کنند. ارتباط درس و کاملی که موجب پیشرفت شود، باید به صورت دو سویه باشد و کنش در برابر واکنش است. به طور خلاصه میتوان مهم ترین وظایف فرزندان را در موارد زیر جمع بندی نمود:

اطاعت از والدین: اولین موضوعی که کودکان باید آن را رعایت کنند، اطاعت از والدین می باشد چراکه پدر و مادر هستند که خیر و صلاح کودک را می خواهند و همیشه دوست دارند که به سمت پیشرفت و موفقیت حرکت کند. می‌دانیم که اطاعت از پدر واجب است، اطاعت از مادر لازم است و اگر موجب آزار او شود ما حق نداریم خلاف امر مادر عمل کنیم. در جامعه ی امروزی بیشتر به پدر و مادرها گفته می شود که به حقوق فرزندان دقت کنند و بتوانند اوضاع خوبی را برای آنها فراهم کنند اما در کلام الله به بچه ها گفته می شود که: «در هر سنی که هستید، مراقب پدر و مادرها باشید.»

احترام و تکریم: وظیفه ی دیگری که فرزندان باید آن را رعایت کنند و به آن دقت کنند: احترام گذاشتن به پدر و مادر است. در هنگام سخن گفتن باید به درستی و با متانت با والدین صحبت کنند و به هیچ وجه از کلمات ناپسند استفاده نکنند و در برابر پدر و مادر با لطف و فروتنی اعمال را انجام دهند. به گونه ای باید گفت که: در مقابل پدر و مادر بال شکسته باشند. **شکر گزاری:** نکته بسیار مهم دیگری که وجود دارد، فرزندان باید برای داشتن پدر و مادر خوب و سالمی که خداوند به آن ها داده است شاکر باشند و این موضوع به طور دقیق در قرآن بیان شده که: «هم شکر من و هم شکر پدر و مادرت را به جا بیاور.» در جایی دیگر نیز داریم که: «شکر نعمت، نعمت افزون کند.» (صفایی و همکاران، ۱۳۹۸)



نیکی و احسان به والدین: این موضوع به صراحت مشخص است که فرزندان باید به پدر و مادر خود نیکی کنند؛ همانگونه که والدین به خوبی و مهربانی با آن ها رفتار می کنند و سعی می کنند که لوازم، امکانات و... مورد نیاز رشد و تربیت صحیح را برایشان فراهم کنند. در آیات قرآن نیز این موضوع به صورت دقیق و کامل بیان شده که آمده است: « به پدر و مادر خود نیکی کنید.» (صفایی و همکاران ، ۱۳۹۸)

البته به این نکته نیز باید توجه کنیم که مطالب مشخص شده، زیر مجموعه های فراوانی دارند. مثلا در موضوع: نیکی و احسان به والدین؛ فرزندان باید جست و جو کنند که چگونه می توانند به پدر و مادر خود نیکی کنند و این کار را به صورت کامل و صحیح انجام دهند. آیا در فعالیت های خانه است؟ آیا با پیشرفت خودشان است؟ آیا با درس خواندن است؟ و... (چاووشی و همکاران ، ۱۳۹۸)

پیشرفت تحصیلی به چه معناست

به زبان ساده و تعریف معمولی میتوان گفت: پیشرفت تحصیلی یعنی موفقیت و بهبود در هر یک از عرصه های مربوط به درس و یادگیری. اما اگر بخواهیم آن موضوع را دقیقا توضیح دهیم باید بگوییم که: پیشرفت تحصیلی عبارت است از؛ موفقیت دانش آموزان در یک یا چند موضوع درسی (مثل : درک، فهم خواندن یا محاسبه عددی)، چنین پیشرفت هایی توسط آزمون های درجه بندی شده ی تحصیلی اندازه گیری می شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آن طور که در کار مدرسه ارزیابی می شود دلالت دارد. پیشرفت تحصیلی به جلوه ای از جایگاه تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی میتوان ملاک های گوناگون را در نظر گرفت که مشهور ترین آنها میانگین نمرات کلاسی می باشد. از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش با مفهوم «انجام تکالیف و موفقیت دانش آموزان در گذراندن دروس یک پایه ی تحصیلی مشخص» یا «موفقیت دانش آموزان در امر یادگیری مطالب درسی» استفاده می شود. (صفایی و همکاران ، ۱۳۹۸) نقطه مخالف پیشرفت تحصیلی، افت تحصیلی یا عقب ماندگی در دروس می باشد که در صورت عدم موفقیت، دانش آموز به این قسمت وارد می شود. نکته ی مهمی که به این قسمت اشاره دارد این است که: برای هر سنی و هر فردی، معیارهای خاصی برای پیشرفت تحصیلی با توجه به عوامل مختلف خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... وجود دارد و ما نباید از فردی که در سن ۸سالگی قرار دارد، انتظار پیشرفت خیلی زیاد و به اندازه ی یک فرد ۱۳ ساله را داشته باشیم. پس به این نکته توجه کنیم که دانش آموزان تفاوت های فردی زیادی دارند و به هیچ عنوان نباید با کسانی که در سن بالاتر هستند و یا حتی دوستانشان مقایسه شوند؛ زیرا این موضوع موجب ایجاد یک حس نفرت و رقابت نادرست در بین بچه ها می شود و ما باید برای پیشرفت تحصیلی، فرد را با گذشته ی خودش مقایسه کنیم.

معیار های پیشرفت تحصیلی

درباره ی پیشرفت های تحصیلی بنا بر دیدگاه ها مختلف معلمان و شرایط متفاوت، نظر های گوناگونی وجود دارد. مثلا یکی از معیار های پیشرفت را میتوان آزمون های نوبت اول در نظر گرفت و میانگین یا معدل را در این آزمون ها بررسی کرد؛ معیار دیگری که وجود دارد امتحانات پایان سال تحصیلی هستند که از رسمیت بیشتری برخوردار هستند و نتایج این امتحانات را میتوانیم با امتحانات نوبت اول و یا آزمون های مستمر قبل از خودشان بررسی کنیم. برخی معلمان نیز که به موضوع ارزیابی کیفی، توصیفی توجه خاصی دارند و به جنبه های مختلف در امر ارزیابی دقت می کنند، می توانند در بحث معیار های تدریس هم موفق تر و بهتر توجه کنند چراکه اطلاعات بهتر و کامل تری درباره ی دانش آموزان تجمع آوری کرده اند و از



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

شیوه ها و روش های مختلفی در زمینه های گوناگون استفاده کرده اند؛ این معلمان به ابعاد مختلف دانش آموزان توجه کرده و آموزش ها را از شیوه ی یک بعدی به چند بعدی تغییر داده اند پس مطمئنا نتایجی که برای پیشرفت تحصیلی ارائه می دهند از رسمیت بیشتری برخوردار است و یک کل را در نظر می گیرند. گروه دیگری از معلمان هستند که هر ماه ارزشیابی هایی را انجام می دهند که این معلمان نیز برای پیشرفت تحصیلی می توانند نتایج هر ماه را با ماه های قبل مقایسه کرده و نتایج موفقیت و یا عدم موفقیت را در هر زمینه ارائه دهند. (چاووشی و همکاران ، ۱۳۹۸)

بررسی عوامل خانوادگی در پیشرفت تحصیلی

هرچه در خانه و خانواده شرایط بهتر و کامل تری فراهم باشد، مطمئنا بچه ها به درستی و به صورت بهتری آموزش ها را فرا می گیرند و این عامل موجب پیشرفت می شود. به عنوان مثال: فکر کنید که کودکی در خانواده ی سطح بالای جامعه از نظر مالی، امکانات، فرهنگ و... قرار دارد و چیزی به عنوان محدودیت و مشکل مالی را تجربه نکرده و نخواهد کرد و در مقابل فردی را در نظر بگیرید که در یکی از روستا های دور افتاده ی کشور قرار گرفته باشد، نه وضع مالی مناسبی دارند و نه حتی منابع غذایی کافی؛ چه برسد به این موضوع که بخواهند به فکر تحصیل باشند. تمام دغدغه های این خانواده مربوط می شود به رفع نیاز های اولیه ی زندگی و میتوان گفت هدف این خانواده از زنده بودن و زندگی کردن، رفع ما یحتاج های اولیه است. با این مثال به درستی و به صورت کامل تفاوت در خانواده ها و تاثیر در پیشرفت دانش آموزان را مشاهده کردیم و بار دیگر برای ما ثابت شده که خانواده چه نقش مهمی در پیشرفت و بخصوص پیشرفت تحصیلی دارد.

5

وضعیت اقتصادی خانواده: همانطور که در مثال های بالا به درستی و صراحت بیان شده بود، اوضاع مالی و وضعیت اقتصادی خانواده ها یکی از مهم ترین عوامل پیشرفت فرزندان می باشد؛ خانواده ای که وضع مالی خوبی داشته باشد، می تواند که امکانات لازم را برای پیشرفت و بهبود اوضاع فرزندان فراهم کند و برعکس. بارها ما دیده ایم که دانش آموزانی که در خانواده های با اوضاع مالی نامطلوب هستند حتی در کلاس و یا برای ارسال تکلیف با خجالت و گوشه گیری روبرو هستند و کم کم به سمت کناره گیری از اجتماع می روند.

از دیدگاه دیگر باید گفت: اوضاع اقتصادی حاکم بر خانواده، مشخص می کند که آن ها در چه مکانی زندگی کنند و اگر اوضاع اقتصادی خوب باشد مطمئنا در مکان بهتری زندگی می کنند و اگر اوضاع اقتصادی آن ها نامطلوب باشد، مجبور هستند که در مناطق ضعیف تر زندگی کنند؛ این موضوع باعث می شود که دانش آموز بتواند در مدرسه ی عالی و سطح بالا درس بخواند و پیشرفت کامل و خوبی داشته باشد؛ اما اگر اوضاع مالی ضعیف باشد خلاف این می شود. همچنین فقر مالی باعث می شود که دانش آموز نتواند به خوبی استراحت کند، غذای مفید بخورد، از کودکی اش لذت کافی نمی برد و شاید مجبور شود در همان سال های اولیه ی کودکی کار کند تا اینکه بتواند قسمتی از مخارج خانواده را تامین کند. مورد دیگری که ارتباط مستقیمی با اوضاع زندگی و وضعیت مالی خانواده دارد، سطح تفکرات و آرزو های بچه ها می باشد. همین آرزو ها و اهداف هستند که به زندگی کودکان جهت می دهند. حال تصور کنید کودکی را که قصد دارد مهندس یا دکتر شود و آن را مقایسه کنید با کودکی که از فقر مالی نمی داند که آرزو به چه معناست.

شرایط عاطفی و امنیتی: به راحتی می توان گفت: «مهم ترین عامل مؤثر در شکل گیری نگرش دانش آموز نسبت به تحصیل، خانواده است.» اگر نگرش خانواده نسبت به مدرسه، درس خواندن، معلم، یادگیری و... منفی باشد؛ مطمئن باشید که دیدگاه بچه ها نیز نسبت به این موارد منفی می شود و آن ها از این موضوعات بیزار می شوند و برعکس. گرچه باید به این نکته ی مهم دقت کنیم که: کودکانی که در سال های اولیه ی زندگی و در پایه های ابتدایی هستند، بیش تر تحت تاثیر



عملکرد و رفتار خانواده‌ها قرار می‌گیرند. یعنی اینکه: «کاری که به صورت عملی انجام می‌دهیم را تقلید می‌کنند و کمتر به توضیحات شفاهی ما گوش فرا می‌دهند.»

سطح تحصیلات و فرهنگ خانواده: این موضوع نیز دقیقاً با پیشرفت تحصیلی کودکان ارتباط دارد، در خانواده‌ای که سطح تحصیلات بالا می‌باشد، مطمئناً پدر، مادر و... بچه‌ها را به درس خواندن و یادگیری علم تشویق می‌کنند و والدین به صورت ناخودآگاه برایشان الگو هستند زیرا: مطمئناً در خانه کتاب می‌خوانند، شغل خوبی دارند، از اوضاع کارشان راضی هستند و... اما اگر سطح تحصیلات خانواده‌ای پایین باشد، والدین توجه زیادی به موضوع تحصیل کودکان ندارند و فقط برای گذراندن اوقات فراغت آنها را به مدرسه می‌فرستند و مطمئناً توجهی به پیشرفت و سطح توانایی آن‌ها هم ندارند. نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کرد، والدین با تحصیلات بالا می‌توانند به صورت غیر مستقیم به کودکان کمک کنند و در حل فعالیت‌ها راهنمای آن‌ها باشند اما والدین کم‌سواد و آن‌هایی که آگاهی کافی ندارند، سعی می‌کنند که خودشان تکالیف را به جای بچه‌ها انجام دهند تا هرچه سریع‌تر فعالیت‌ها را جمع‌بندی کنند. و این دقیقاً یعنی: «به طور مستقیم به ناتوانی کودکان اشاره کنیم و به آن‌ها بگوییم که توان یادگیری را ندارند.» (چاووشی و همکاران، ۱۳۹۸)

6

تعداد اعضای خانواده: امروزه گرچه بیان می‌شود که ما نیاز داریم که جمعیت بیشتری داشته باشیم و دیگر دو فرزند کافی نیست، اما با شرایطی که اکثر خانواده‌ها دارند، نمی‌توانند که به خوبی تمامی شرایط و امکانات لازم را برای تعداد زیاد فرزندان فراهم کنند و این موضوع باعث می‌شود که: کودکان فضایی را درک کنند که دارای تفرقه و فاصله بین آن‌ها و خواهران یا برادرانشان است و این موضوع نقطه‌ی شروعی برای لج‌بازی‌های آن‌ها و حسادت‌هایشان می‌باشد. خلاصه باید گفت: خانواده‌هایی که تعدادشان زیاد است، به مراتب، احتمال به انحراف کشیدن کودکانشان بیشتر است و طبق مدارکی که در مدارس موجود است: «کثرتاً بچه‌هایی موفق‌تر هستند که در خانواده‌های با تعداد جمعیت کمتر زندگی می‌کنند.» (چاووشی و همکاران، ۱۳۹۸)

ارتباط اولیا با معلم: یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل خانوادگی، میزان ارتباط اولیا با مدرسه و معلمان و میزان آگاهی آن‌ها از شرایط تحصیلی فرزندانشان می‌باشد. اگر که در بحث یادگیری، مشکلی وجود داشته باشد در همان سنین کودکی به راحتی می‌توان جلوی آن را گرفت و اصلاح این رفتار همکاری والدین با مدرسه را طلب می‌کند. پدر و مادرانی که پیگیر شرایط درسی فرزندانشان هستند، سعی می‌کنند که در همین مراحل ابتدایی، مشکلات و کم‌وکاستی‌های آن‌ها را جبران کنند و با پایه‌ای قوی، بچه‌ها را به مراحل بالاتر بفرستند.

عوامل تاثیر گذار بر تربیت فرزندان (خانه و مدرسه)

در ابتدا گفتیم که انسان از همان ابتدای به وجود آمدن در حال آموزش و یادگیری است که تعلیم را فرا می‌گیرد. اکنون باید گفت که تربیت چیست؟ به زبان ساده، تربیت به معنای سازندگی و پرورش شخصی است. در لغت نامه‌ی دهخدا نیز: تربیت به معنای: پروراندن، پروردن و آموختن، معنا شده است. بهترین زمان برای تربیت صحیح کودک، همان دوران کودکی اوست، چراکه در این زمان است که هنوز شخصی کودک به طور کامل شکل نگرفته است و می‌توانیم به راحتی با کارها و آموزش‌های درست، تاثیرات دقیق و کاملی را بر آن بگذاریم. اولین مرحله از تربیت صحیح به عهده‌ی والدین و کانون خانواده می‌باشد اما باید به این نکته دقت کرد که: تربیت کار آسان و راحتی نیست و خیلی از پدر و مادرها ممکن است که



به نظر خودشان تربیت درست و کاملی را در نظر می گیرند اما کاملاً خلاف این باشد. «در اینجا قصد نداریم که کارهای والدین عزیز را زیر سوال ببریم و فقط دوست داریم که سوالی را در ذهنشان طراحی کنیم که به مطالعه کارآمد بپردازند.»

خانواده و تربیت کودکان

کودک در سال های ابتدایی زندگی، تحت تاثیر خانواده خویش قرار دارد و از آن تاثیر می پذیرد و این موضوعی انکارناپذیر می باشد. بنابراین، خانواده می تواند دو نقش را اجرا کند: هم می تواند نقش سازندگی داشته باشد و هم می تواند آینده ی کودک را به سمت نابودی و پوچی ببرد. محیط خانواده همچون دانشگاهی است که در آن درس زندگی، انسانیت و اخلاق و یا ضد این دو، داده می شود. پس عامل خانواده برای کودک تعیین کننده و سرنوشت ساز است. کودک در کنار مادر و پدر درس هایی مانند: مهر و محبت، عشق، زندگی، اقتدار، رهبری، کنترل و... را می آموزد و این ویژگی ها را در وجود خودش تثبیت می کند. در این بین، نقش مادران بیش تر می باشد چرا که اوقات بیش تری را با کودکان سپری می کنند و همانند مخزن الاسرار آن ها هستند و از همه چیز بچه ها آگاهی دارند. در خانواده نباید از نقش و تاثیر برادران و خواهران غافل ماند، مخصوصاً اگر که آن ها در سن بالاتری باشند و به گونه ای به خود کنترلی رسیده باشند. اگر که چنین باشد، کودکان از خواهر و برادرشان تقلید می کنند و گویا آن ها را همانند پدر و مادر قبول دارند و سعی می کنند که رفتارشان مثل آن ها شود. پس علاوه بر اینکه پدر و مادر باید به رفتار خود توجه کنند، دیگر اعضا نیز باید به درستی رفتار کنند و مراقب کارهای خود باشند.

مدرسه و تربیت کودکان:

نقش معلم در سازندگی یا ویرانی بنای اخلاقی کودکان بسیار دارای اهمیت است. کودک از روش کار مسئولان مدرسه، نحوه اعمال انضباط آنان، برخورد آنان با شاگردان، تشویق ها و تنبیه ها و قدرت جاذبه و دافعه آنان تاثیر می پذیرد. کودکان از معلم خود خیلی مسائل را می آموزند و از وی تاثیر می پذیرند. این تاثیرات آنقدر فراوان هستند که برخی صاحب نظران معلم را عامل پیروزی یا شکست کودکان می دانند. چرا که آن ها از تک تک اشارات، حرکات و نحوه گفتار و مثال ها و واژه هایی که معلم به کار می برد، تاثیر می پذیرند. لحظاتی که کودک در مدرسه سپری می نماید از مهم ترین و حساس ترین لحظات زندگی او می باشد. در مواردی که خانواده آشفته و نابسامان است و کودک احساس میکند که خانواده برای او پناه گاه قابل اعتمادی نیست، به دوستان پناه می برد و از آنان کمک می طلبد به ویژه اگر کودک پدر یا مادر نداشته باشد و یا اینکه پدر و مادرش جدا شده باشند. کودکان بیشتر از افراد بزرگ تر تحت تاثیر قرار می گیرند، چرا که بزرگترها قادرند بین بعضی امور و کارها امتیاز و فرقی قائل شوند در صورتی که کودک به دلیل عدم علم کافی و بدون مطالعه و ارزیابی از تمام اعمال، رفتار و گفتار معلم، الگو برداری می نماید؛ کودک به درستی یا نادرستی، خوب یا بد، نفع یا ضرر گفتار و کردار معلم توجهی ندارد، بلکه فقط برای او مهم این است که اعمال، گفتار و رفتار او را به عنوان یک قانون حتمی بپذیرد. بارها دیده شده که شاید معلمی موضوعی را اشتباه به بچه ها بگوید یا اینکه کودکان آن را اشتباه برداشت کنند اما این مطلب را به هیچ وجه نمی پذیرند و حتی وقتی خانواده ها به او می گویند که این موضوع نادرست است، قبول نکرده و با آن ها مخالفت می کنند. در اینجاست که نقش تربیت صحیح در مدرسه و میزان تاثیر آن بر کودک پدیدار می شود.

نکات لازم برای رشد مناسب

والدین در خانواده ها برداشت های متفاوتی درباره ی وظایف خود دارند و با وجه به آن عقیده ای که دارند به همان اندازه به صورت درست یا نادرست در رشد کودکان نیز تاثیر می گذارند. عوامل مهم و متفاوتی در رشد صحیح و همه جانبه (ذهنی،



جسمی، اجتماعی، فرهنگی و...) نقش بازی می کنند اما در اینجا قصد داریم که مهم ترین آن ها را بیان کرده و درباره ی نقش و میزان تاثیرشان با هم گفت و گو کنیم.

سلامتی و تندرستی

شاید بتوان گفت که: اولین موضوع برای رشد مفید کودک، داشتن یک بدن سالم و سلامتی کامل می باشد. بیماری های معمول دوران کودکی تاثیر زیادی بر رشد کودک نمی گذارند؛ ولی بیماری های شدید و طولانی مدت باعث وقفه در روند رشد می شوند. کودکان در زمان بیماری، فعالیت ندارند و عضلاتشان بدون تحرک باقی می ماند و همین موضوع باعث می شود که آن ها آسیب جدی در مهارت های حرکتی ببینند. در چنین شرایطی خیلی زود خسته می شوند و احتمالاً رشد آنها مدتی متوقف می گردد تا جایی که ممکن است اعتماد به خود را از دست بدهند و به خوبی با سایر کودکان ارتباط برقرار نکنند. بیماری کودکان با مشکلاتی مثل: غذا نخوردن، وسوسه های رفتار و برخی مشکلات دیگر همراه است. کودک در طول دوره بیماری مورد توجه خاص اطرافیان قرار می گیرد و پس از بهبودی نیز انتظار دارد این روند ادامه داشته باشد و در صورت قطع شدن این موضوع، رفتارهای او تهاجمی و طلبکارانه می شود.

شادی و نشاط

8 کودکانی که شاد هستند، انرژی بیش تر و کامل تری برای انجام دادن فعالیت ها دارند و موضوعات و کارها را با انگیزه و بدون اجبار انجام می دهند. اگر در جایی به مشکلی برخوردند، آن را می پذیرند و سعی می کنند که بتوانند این مشکل را به خوبی حل کرده و آن را از پیش رو بردارند. اما در مقابل این کودکان، آن هایی که ناراحت و اندوهگین هستند، انرژی و انگیزه ای برای شرکت در فعالیت ها ندارند و بیشتر میل به گوشه گیری پیدا می کنند.

تاثیر جنسیت در رشد کودک

جنسیت نیز تاثیر زیادی بر رشد کودکان دارد. در سنین کودکی میزان ترشح هورمون های زنانه و مردانه در کودکان نقش بسزایی در آینده ی آن ها دارد. در پسر ها هورمون آندروژن و در دختر ها هورمون استروژن ترشح های بیش تری دارند و هر کدام از این هورمون ها نقش خاصی را ایفا می کنند. ترشح آندروژن باعث رشد بیشتر قد و عضلات می شود. (البته استثنای هم وجود دارد) ترشح استروژن نیز باعث افزایش هماهنگی و تعادل بیشتر در دختر ها می گردد و به همین خاطر است که آن ها سریع تر شروع به صحبت کردن کرده و کارها را با دقت بیش تر و ظریف تری انجام می دهند. اما تجسمات فضایی پسر ها در تمامی سنین از دخترها بهتر است. لذا پدر و مادرها می توانند از همان دوران کودکی حس فضایی دخترها را از طریق برخی بازی ها، مثل پازل و شطرنج بهبود بخشند و از سنین پایین تر پسرها را با کتاب خواندن آشنا کنند و با آن ها بازی کلمات را تمرین کنند و توجه خاصی به تلفظ کلمات داشته باشند.

پاسخ به عواطف کودک

میزان بازخورد و توجهی که پدر و مادرها به عواطف و احساسات کودکان دارند، زیربنای رشد عاطفی آن ها می شود. مثلاً اگر به گریه کردن های کودکان توجه نشود، کودک برداشت می کند که مورد قبول والدین نیست و دیگر حتی با داشتن احساس درد و تنفر و... گریه نمی کند و سعی ندارد که این موضوعات را به بیرون انتقال دهد. این کودکان وقتی که به سن بزرگسالی برسند دیگر حتی توجهی به تشویق ها، موفقیت ها، شکست ها و... ندارند و همانند ماشینی بدون احساس می شوند و کنترل کردن آن ها به گونه ای غیر ممکن می شود.



استرس در خانواده

در خانه‌ای که ویژگی‌های منفی و پیامد‌های نگران‌کننده وجود دارند، کودکان نمی‌توانند که به درستی رشد کنند، به همین دلیل امکان ایفای نقش و بیان عقاید و... را نخواهند داشت. پس این امر که نمی‌توانند خودشان را نشان دهند، باعث خواهد شد که آن‌ها از نظر رشد روحی، روانی به کندی حرکت کنند و در آینده نیز با مشکل روبرو شوند. در بحث رشد صحیح موارد فراوانی وجود دارند اما چون پژوهش ما مربوط به موارد خانوادگی می‌شود سعی کردیم که عناصر مهم را انتخاب کنیم و درباره‌ی آن‌ها توضیح دهیم؛ موارد دیگری همچون: اعتیاد، دارو، بیماری‌ها، رفتار والدین با هم، تعداد اعضا، فرهنگ جامعه، روابط اجتماعی و... وجود دارند که به دلیل طولانی نشدن بحث و به حاشیه نرفت، به آن‌ها نپرداختیم.

رشد نامناسب و آسیب‌های تحصیلی

در دیدگاه عام مردم نیز این موضوع وجود دارد و به وضوح دیده می‌شود که وقتی مشکلاتی در بحث آموزش و تحصیل به وجود می‌آید، می‌گویند که: مشکل ژنتیکی است. خانودگی است و... اما آیا تا الان از خودمان پرسیده ایم که رشد نادرست چه آسیب‌هایی به دنبال دارد؟ یا اینکه تا الان به این موضوع فکر کرده ایم که ژنتیک چیست؟ همانطور که در دیدگاه همه‌ی مردم وجود دارد، برخی از مشکلات زندگی و بخصوص، موضوع تحصیل دانش‌آموزان به مشکلات رشدی باز می‌گردد و اکنون می‌خواهیم به موارد مهم و آشکار آن‌ها اشاره کنیم و رابطه‌ی آن‌ها را که با رشد نادرست دارند توضیح دهیم. ابتدا بهتر است که از خودمان بپرسیم: ژنتیک چیست؟ آیا ارتباطی با رشد نادرست دارد؟ به زبان خیلی ساده و معمولی باید گفت: «علمی است که به بررسی تغییرات ژنتیکی و وراثت می‌پردازد، یا به بررسی الگوی تغییرات صفات از والدین به فرزند می‌پردازد.» ((به زبان ساده مطرح شد که به راحتی قابل درک باشد.)) همانطور که در تعریف بالا بیان کردیم، ژنتیک به بررسی صفاتی می‌پردازد که میان والدین و فرزندان شباهت دارند اما بحث ما درباره‌ی مشکلات عدم رشد صحیح و مناسب می‌باشد. پس بهتر است که بگوییم: رشد نادرست چه نقشی در عقب ماندگی تحصیلی دارد؟ باید گفت که موضوع افت تحصیلی و عدم موفقیت دانش‌آموزان موجب عقب ماندگی تحصیلی آن‌ها می‌شود و خیلی از این دلایل ارتباط دقیقی با رشد دارند که عبارتند از:

نداشتن اعتماد به نفس

وقتی کودک در خانواده‌ای سرشار از استرس بزرگ شده باشد، نمی‌تواند که خودش را اظهار نماید و همین مورد موجب می‌شود که موفقیت‌های خودش را نبیند و این عامل در مدرسه نیز دقیقاً به همین صورت است و ضعف‌ها و موفقیت‌ها را نادیده گرفته، نهایتاً برای تشویق خودش یا بهبود کارهایش تلاش نمی‌کند و به فردی گوشه‌گیر و بیکار تبدیل می‌شود و به مرور زمان افت تحصیلی را در پیش رو دارد.

مهارت‌های مطالعه نادرست

وقتی که به هورمون‌های ترشح شده‌ی کودکان در سنین پایین توجه نشده باشد و خانواده‌ها به درستی، کم و کاستی زمینه‌های مختلف را با توجه به جنسیت، جبران نکرده باشند؛ در سنین بالاتر موجب می‌شود که کودکان و علی‌الخصوص پسران از مباحث درسی فراری باشند و به دلیل اینکه نمی‌توانند موضوعی را درست مطالعه کنند، خوب یاد نمی‌گیرند و در خیلی مواقع، شاهد ترک تحصیل خواهیم بود. به این نکته نیز توجه شود که گاهی اوقات عدم مطالعه‌ی صحیح به دلایلی همچون: شلوغی خانواده، ضعیف بودن چشم‌ها و... می‌باشد و باز هم به گونه‌ای که کاری والدین باز می‌گردد.



بی انگیزگی برای تحصیل و مطالعه

دانش آموزی که موفقیت ها و تلاش هایش در خانه و خانواده بهبود یافته و نظر گرفته شدند و به درستی تقویت نشده اند، در تحصیل نیز تلاشی برای پیشرفت و نمایش دادن توانایی هایش ندارد و فقط کارها را برای رفع تکلیف انجام می دهد اما در نهایت به جایی می رسد که خسته شده و بی علاقه می شود؛ این امر موجب کناره گیری از یادگیری و تلاش و نهایتاً افت تحصیلی می شود.

وضعیت جسمانی

دانش آموزانی که در سنین کودکی ناتوانی ها و مشکلات جسمانی داشته اند و والدین به آن ها توجهی نداشتند در کلاس های درس و مدرسه نیز، نمی توانند که این اوضاع را تحمل کنند چرا که این موضوع گرچه بهتر نشده بلکه به یک معضل تبدیل شده و روز به روز بدتر می شود. این دانش آموزان در کلاس خسته می شوند، کمردرد می گیرند، بی انگیزه می شوند، توجهی به درس ندارند و... (پارسایی و همکاران، ۱۳۹۷)

موضوع دیگری که می تواند موجب ایجاد ضعف و ناتوانی جسمی شود، نداشتن تغذیه مناسب در سنین کودکی است و این عامل هم دقیقاً موجب خستگی، دیر فهمی و... در کلاس می شود. چه بسا ممکن است که دانش آموزان بدون خوردن غذا (صبحانه) در کلاس حاضر شوند و باید گفت: با این شرایط علاوه بر اینکه خودشان چیزی درک نمی کنند، موجب اختلال در یادگیری دیگران نیز می شوند. برای مشکلات جسمانی به عامل دیگری همچون: برتری طرفین نیز می توان اشاره کرد. دانش آموزی که با دست راست می نویسد و پای چپ بازی می کند، و... نیز می تواند در معرض آسیب های فراوانی باشد.

نداشتن هدف مشخص برای تحصیل

به دلایل فراوانی که در خانواده بوده است، هیچ وقت فرصت نشده که از بچه ها درباره ی اینکه به چه چیزی بیشتر علاقه دارند و دوست دارند در آینده چه کاره شوند، سوالی پرسیده شود. به همین دلیل بچه ها در مدرسه سردرگم هستند و هدف و دلیل خاصی را برای درس خواندن و تلاش کردن نمی بینند. عامل مهم دیگری که در موفقیت تحصیلی کودکان نقش دارد و موجب دوری آن ها از شکست می شود، هوش است. هوش بچه ها در دوران کودکی وسط آزمون های متفاوت هوشیهر، اندازه گیری می شود. اگر والدینی این موضوع را مد نظر نداشته باشند و کودکان را در زمان مناسب، برای سنجش نبرند ممکن است که عامل اصلی در شکست و تباهی آینده ی آن ها شوند.

سلامت روانی

دانش آموزی که در خانواده ای شلوغ و پر سروصدا رشد کرده است؛ همان خلق و خو را برگزیده است و در مدرسه نیز همان رفتار تقلیدی که یاد گرفته را به کار می برد و با پاسخ های منفی از طرف معلمان، دانش آموزان و... روبرو می شود و کم کم از جامعه طرد می شود و این امر زمینه ی شروع شکست های پی در پی در امر تحصیل می شود. دانش آموزی که گوشه گیر شد؛ در فعالیت ها شرکت نمی کند، تلاش نمی کند، گوش نمی دهد، اعتماد به نفس ندارد، از دیگران بیزار می شود و... (تقی پور ظهیر، ۱۳۹۳)



عدم استقلال فردی

فراوان دیده می شود که دانش آموزان در کلاس نمی توانند فعالیت های خود را به درستی انجام دهند و این موضوع را باید به طور مستقیم به خانواده ها ربط داد، خانواده ای که اجازه نداده حتی بچه اش به تنهایی غذا بخورد، با به تنهایی لباس هایش را بپوشد و... در آینده ی نزدیک شاهد ناتوانی او در انجام فعالیت های تحصیلی خواهد بود. کودکی که استقلال و انجام کار های فردی را تجربه نکرده است، مطمئنا در مدرسه با مشکل رو برو می شود و این موضوع نشات گرفته از کارها و فعالیت های خانوادگی می باشد.

انواع والدین در تعلیم و تربیت

برای بیان این مبحث باید ابتدا بیان کرد که: هر فرد به گونه ای برای خودش منحصر به فرد است و همانند اثر انگشتش می باشد؛ به گونه ای که ما هیچ دو فردی را نمی بینیم که دقیقا همانند هم باشند و ویژگی مشترکی داشته باشند. اما برای بیان این قسمت باید گفت: از نظر روان شناسی و طبق تحقیقاتی که تا به امروز صورت گرفته اند، تمامی رفتار های خانواده های مختلف را در چهار (و بعضا شش) قسمت کلی جمع آوری کرده اند و اکنون قصد داریم که به صورت خلاصه به شناسایی آن ها بپردازیم و سپس درباره ی این موضوع که کدام خانواده میتواند موفق تر باشد و موجب موفقیت بیش تر در امر پیشرفت تحصیلی شود، گفت و گو خواهیم کرد.

خانواده های خشک و سخت گیر

همانطور که از اسم این والدین پیداست، تمامی کار هایشان خشک و بی دلیل می باشند و کودکان اجازه ی ابراز نظر و حتی سوال پرسیدن را ندارند. برخی از ویژگی های این خانواده ها عبارتند از: پدر و مادرها با بچه ها همانطور رفتار می کنند که والدین خودشان رفتار کرده اند و تصمیم گیری با یکی از والدین، مخصوصا پدر می باشد؛ معمولا پدر خانواده حاکم بر رفتار و اعمال فرزندان است و هیچ یک از اعضای خانواده اجازه ی اظهار نظر ندارند. والدین چنان رفتار می کنند که فرزندان می آموزند، حق هیچ گونه ابراز عقیده ای را، حتی در مواردی که می توانند مانع از بروز بعضی مشکلات برای خانواده گردند ندارند. (تقی پور ظهیر ، ۱۳۹۳) اگر فرزندان از فرمان والدین اطاعت نکنند والدین آنان ناراحت، خشمگین و آزرده خاطر می- شوند؛ فرزندان جرات سوال کردن در مورد انجام دادن یا انجام ندادن کارها را از والدین خود ندارند. والدین بر رفتار و کارهای فرزندان خود، کنترل شدید دارند و همه تصمیمات را شخصا اتخاذ می کنند. در نتیجه: احتمال دروغ گویی و ریا کاری در کودکان چنین خانواده هایی به علت ترس از تنبیه و سرزنش افزایش می یابد؛ چنین کودکانی به علت اینکه مرتبا علايقشان سرکوب شده و موجب تحقیر قرار گرفته اند و همچنین دیگران برای اموراتشان تصمیم گرفته اند از خلاقیت کمی برخوردارند اما ممکن است از نظر آموزش بعضی از مهارت ها پیشرفتی کرده باشند اما اضطراب و افسردگی، وسواس، کمال گرایی، ناامیدی و بسیاری از مشکلات روانی ممکن است دامن گیر این کودکان شود. (پارسایی و همکاران، ۱۳۹۷)

خانواده های سهل گیر و آسان

پدر و مادر به دنبال نیاز های ارضا نشده ی خودشان هستند و بیشتر در پی جوانی و نوجوانی و دل مشغولی های خود می باشند. به همین دلیل به تربیت و ارضا نیاز های جسمی و روانی کودک نمی پردازند و چون آسان گیر هستند برای خاموش کردن صدای بچه هر چه کودکشان از آن-ها می خواهد را انجام می دهند و موجب می شوند که کودک پر توقع تربیت شود.



در این خانواده ها، هدف ها و انتظارات روشن نیستند و به همین دلیل در تربیت فرزندان خود از روش فلسفه یا دیدگاه خاصی پیروی نمی کنند و هیچ نوع کنترلی بر رفتار فرزندان خود ندارند و آنان را کاملاً آزاد میگذارند تا به هر نحوی که خود مایل هستند، شیوه های خاصی را انتخاب و به کار گیرند. این خانواده ها هیچ نوع انتظار و توقع خاصی از فرزندان ندارند. اگر فرزندان خانواده از دستورات آنان اطاعت نکنند ناراحت نمی شوند و چنان رفتار می کنند که گویی عدم اطاعت از دستورات والدین امری طبیعی، عادی و متداول است. این خانواده ها توجهی به تشویق و تنبیه کودکان ندارند «منظور تنبیه بدنی نیست» شیوه های رفتاری والدین چنان است که در فرزندان اعتماد لازم را نسبت به آنان ایجاد نمی کند و نسبت به تکالیف و نمرات درسی آن ها توجه نشان نمی دهند و اعتقادی به همکاری با مدرسه و معلمان ندارند.

خانواده های گسسته یا پریشان

در این خانواده ها به علت اختلاف، والدین معمولاً به صورت قهر و آستی به سر می برند که تاثیر منفی روی کودکان می گذارد و گاهی کودک به عنوان قاضی در نظر گرفته می شود و گاهی هم قربانی یکی از طرفین میگردد. کودک علاوه بر اینکه نیاز های روانی و جسمانی اش ارضا نمی گردد به تدریج الگوهای پرخاشگری رامی آموزد. این کودکان، همان کسانی هستند که: بدون مقدمه بچه های دیگر را می زنند. (پارسایی و همکاران، ۱۳۹۷) میزان ارزش و احترامی که هر یک از افراد خانواده برای خود قائل هستند ناچیز است و چهره ی افراد خانواده غالباً عبوس و افراد خانواده معمولاً غمگین، گرفته، افسرده و بی احساس به نظر می آیند. گوش افراد خانواده برای شنیدن خواسته های یکدیگر سنگین است و صدای آنان یا بلند و خشن و گوش خراش است و یا به اندازه ای آرام و نجوا مانند است که به سختی قابل شنیدن می باشد نشانه دوستی و صمیمیت در بین افراد خانواده کم است و در مواردی حتی از وجود یکدیگر نیز بی اطلاع هستند. پدر و مادر هرگز نمی فهمند فرزندان آنان دارای چه ویژگی های شخصیتی هستند و فرزندان خانواده کمتر از وجود پدر و مادر خود به عنوان دو انسان بالغ، فهمیده، با شعور، اصیل و دوست داشتنی بهره مند می شوند. دروغ گویی در بین اعضای خانواده شایع است و هر یک از افراد خانواده یاد گرفته اند که برای اجتناب از درگیری و مشاجره های پایان ناپذیر بعدی به افراد دیگر دروغ بگویند؛ به سادگی به یکدیگر فحش میدهند و همچنین خشونت های جسمی نیز رایج است و نگرش هر یک از افراد خانواده بر این استوار است که طرف مقابل آنان فردی خود رای، نفهم و خود خواه است و بهترین راه برای به زانو در آوردن او کتک زدن و تحقیر اوست. این خانواده ها نیز کاری به تعلیم و تربیت بچه ها ندارند و باید گفت: «کلا فرصت پیگیری درس بچه ها را ندارند.»

خانواده های سالم (مساوات جو)

در این خانواده ها هر چیزی در جای خودش قرار دارد و به همه ی موارد و مطالب به اندازه ی مورد نیاز زمان اختصاص داده می شود و به صورت دقیق و کامل، بر جنبه های مختلف تعلیم و تربیت و رشد کودکان توجه می شود. افراد این خانواده ها، سرزنده و با محبت هستند و رفتار هایی صادقانه دارند؛ و به طور آشکار و خیلی راحت با دیگر اعضا همدردی می کنند و برای یکدیگر ارزش قائل هستند. افراد در این خانواده رابطه ای هدفمند و سازگار دارند و سکوت خانواده برای آرامش می باشد. افراد به روابط عاطفی توجه زیادی دارند و معتقد هستند که یکی از عوامل موثر در رشد می باشند و پدر و مادر، فرزندشان را نوازش می کنند و برای وی اهمیت خاصی قائل می شوند. افراد با یکدیگر گفت و گوی صمیمی دارند و مشکلات خود را بیان می کنند و سعی دارند که با هم اندیشی، آن ها را حل نمایند. در این خانواده ها برنامه ریزی یکی از اصول مهم می باشد و تمامی کارها را در وقت خاص خودشان انجام می دهند. در خانواده، پدر و مادر، خود را مدیر یا رهبر خانواده می دانند و نه رئیس یا ارباب خانواده و نیز می دانند که در موقعیت های مختلف چگونه به فرزندان خود بیاموزند تا به مرحله



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

یک انسان واقعی بودن نزدیک شوند. رفتار اولیای خانواده با آنچه به فرزندان خود می گویند، مطابقت دارد و اگر یکی از اعضا خسارتی را ناخواسته به وجود آورد؛ دیگران از او حمایت می کنند و این موضوع باعث می شود که فرزندان در انجام کارها، بیشتر دقت کنند. پدر و مادر می دانند، هنگامی فرزند آنان برای یادگیری آمادگی بیش تری خواهد داشت که خود را با ارزش بدانند و احساس کند که دیگران نیز برای او ارزش قائل هستند؛ همچنین می دانند: هر چند که با شرمنده ساختن کودک و تنبیه بدنی فرزندان می توان رفتار آنان را تغییر داد، اما این آگاهی را نیز دارند که آثار این تنبیه ها بر ذهن آنان باقی می ماند. با مدرسه ارتباط خوبی دارند و نسبت به وضعیت آموزشی فرزندانشان حساسیت نشان می دهند و همیشه پیگیر هستند و سعی دارند که اگر کم و کاستی در آموزش و یادگیری آن ها بود، با کلاس ها و تمرینات و... آن را سریع تر بر طرف سازند. (بارانی و همکاران، ۱۳۹۸)

بهترین شیوه ی مدیریتی برای پیشرفت تحصیلی

همان طور که در مبحث قبلی ذکر شد، بهترین والدین و خانواده ها برای تعلیم و تربیت و پیشرفت مناسب، کسانی هستند که نقش خانواده های سالم را ایفا می کنند؛ چراکه این خانواده ها نظم و ترتیب خاصی در انجام کارها دارند و برای همه ی کار های خود سطح بندی دارند و با توجه به این سطوح، برای برنامه هایشان زمان کافی را در نظر می گیرند. آن ها به فرزندشان توجه کافی و دقیقی دارند و به او اجازه ابراز نظر، خود ارزیابی، ابراز علاقه، انجام فعالیت ها و... را می دهند البته با برنامه و در چارچوب خاصی که برای وی تعیین کرده اند. آن ها کار های بچه ها را با اهمیت می دانند و با توجه به صحتی که در انجام کارها دارند، فرزندان را تشویق می کنند و برعکس اگر کار نادرستی را انجام دهند به همان اندازه به آن ها سخت می گیرند تا اینکه فرزندشان بتواند این موضوع را جبران کرده و فعالیتش را بهبود بخشد. همچنین نسبت به پیشرفت های تحصیلی فرزندان پیگیر هستند و این موضوع را امری با اهمیت می دانند. این خانواده ها، رابطه ی درستی با مدرسه برقرار می کنند و سعی دارند که اوضاع تحصیلی فرزندشان را به درستی کنترل کنند که مبدا مشکلی در امر تحصیل و آموزش داشته باشد. خلاصه باید گفت که: «همه چیز را به صورت صحیح در نظر می گیرند و مدیریت کامل و درستی بر موضوعات مختلف دارند و همین امر عامل موفقیت فرزندان می گردد.»

نتیجه گیری

در موضوع پیشرفت تحصیلی بیان کردیم که رفتار های خانوادگی تاثیر مستقیمی در پیشرفت دارند و باید به همه ی کار هایی که از کودکان در خانه سر می زند واکنش های مناسبی را دهیم و به هیچ وجه از کنار آن ها بدون توجه عبور نکنیم. اگر می خواهید نسلی را برای آینده پرورش دهید، که سلامت روانی و رشد عاطفی مطلوبی داشته باشد، کودکی او را دریابید، و برای این که بتوانید کودک خود را درک کنید و به او ابراز احساسات و عواطفش را بیاموزید با کودک درون خود ارتباط بگیرید و سفری به سال های کودکی خود داشته باشید. اگر بتوانید با خودتان ارتباط موثر بگیرید و احساسات خود را درک کنید در ارتباط با فرزندتان نیز موفق می شوید. (بارانی و همکاران، ۱۳۹۸) همچنین همانطور که عوامل متفاوتی در پیشرفت تحصیلی افراد نقش داشتند، خیلی از موضوعات هم دست به دست هم می دهند تا دانش آموزان به افت تحصیلی برسند که بسیاری از آن ها از خانواده نشات می گیرند اما نباید از شرایط مدرسه هم غافل شد. پس اگر خانواده ای سالم داشته باشیم، پیگیری های مناسب را در بحث تحصیل دانش آموزان خواهند داشت و اجازه نمی دهند که به هیچ وجه، به سمت افت تحصیلی بروند. و عوامل مهم این مشکل را در مدرسه که عبارتند از: شلوغی کلاس ها، امکانات نامناسب، روش تدریس اشتباه و... را به درستی بر طرف خواهند ساخت. موضوع دیگری که در رشد صحیح کودکان و موفقیت آن ها در بحث تحصیل



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

نقش اساسی دارد، موضوع‌های همانند: اعتیاد، مصرف دارو و... هستند که به مشکلات فردی والدین باز می‌گردند و حتما باید به این موضوع توجه شود که برای داشتن کودکانی سالم، مصرف مواد مخدر، الکل، داروهای مضر و... کنار گذاشته شوند. در آخر به طور کلی باید گفت برای تربیت فرزندان صالح و کامل، باید به همه‌ی جنبه‌های رشدی توجه کنیم و اطلاعات دقیقی از شیوه‌های گوناگون تربیت و نقش آن‌ها در موفقیت داشته باشیم، همچنین سعی کنیم که در فضای مناسب و سالمی کودکان را رشد دهیم تا واقعا بتوانیم به درستی نتیجه‌ی زندگی‌مان را ببینیم.

منابع

۱. بارانی، حمید، راهپیمای، سمیرا، خرمایی، فرهاد. (۱۳۹۸). رابطه امید به تحصیل و تحصیل‌گریزی: نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی تحصیلی. روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۱۵(۵۹)، ۳۲۳-۳۳۵.
۲. پارسایی، ایمان، سعدی پور، اسماعیل، درتاج، فریبرز، اسدزاده، حسن. (۱۳۹۷). پیش‌بینی فراهیجان براساس جو مدرسه، ارزش‌های وابسته به تحصیل و عملکرد خانواده در دانش‌آموزان متوسطه. فصلنامه علمی - پژوهشی روشها و مدل‌های روانشناختی، ۹(۳۲)، ۱-۱۴.
۳. تقی پور ظهیر، علی (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: انتشارات آگه، چاپ سی و نهم.
۴. چاوشی، منصوره سادات، یزدی، سیده منوره، حسینیان، سیمین. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مبتنی بر مدل بومی خانواده شادی محور بر عملکرد خانواده. مطالعات زن و خانواده، ۷(۱)، ۹۷-۱۱۱.
۵. صفایی موحد، سعید، بهادری، بهناز. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فرهنگ مدرسه و سرمایه فرهنگی خانواده بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۱(۲)، ۱۲۷-۱۵۸.
۶. عزیز، یگانه (۱۳۹۴). کنکاش در عملکرد خانواده: مقایسه موقعیت فرهنگی-اجتماعی، سبک‌های والدگری، انسجام و عملکرد خانواده، قابلی‌تهای درون فردی و بین فردی در دانش‌آموزان دختر و پسر، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۹(۲۸)، ۱۹۵-۱۷۹.
۷. یکانی زاد امیر. (۱۳۹۶). مقایسه سلامت روانی، هراس اجتماعی و آشفتگی روانی کودکان تحت سرپرستی بهزیستی و کودکان تحت سرپرستی خانواده. فصلنامه سلامت روان کودک؛ ۴(۴): ۱۴۰-۱۵۱.
8. Alden, L. E., & Taylor, C. T. (2004). Interpersonal processes in social phobia. *Clinical psychology review*, 24(7), 857-882.
9. Alpert J. (2014) Object Relations Theory. *Am J Psychiatry*;147(7):961--962. American Psychiatric Association (2000). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-IV-TR)*. Washington: American Psychiatric Association.
10. American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed.)*. Washington, DC: APA.
11. Ates, B. (2016). Social Phobia as a Predictor of Social Competence Perceived by Teenagers. *International Education Studies*, 9(4), 77-86.
12. Boschloo, L., van Borkulo, C. D., Rhemtulla, M., Keyes, K. M., Borsboom, D., & Schoevers, R. A. (2015). The Network Structure of Symptoms of the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders. *PLOS ONE*, 10(9), e0137621.